



هسرا ایرانی؛ یک فرش ایرانی

با حضور آقایان محمود اشعاری، احمد زارع، مجیدرضا مقنی پور، محمدحسین میرجلیلی و خانم منیره عطرگیران

تهیه و تنظیم: محبوبه آذرزاده، نیلوفر صالحی ابرقویی

کرد، هر چیزی را که بتوان روی زمین پهن کرد فرش می نامیم ولی قالی از تاروپود و پرز تشکیل شده و با ابعاد حداقل بالای سه متر است. در فرهنگ نامه فرش؛ مؤسسه استاندارد، فرش که دارای حداقل ۲/۲۰ طول و ۱/۲۰ پهنا باشد را به عنوان قالی در نظر می گیرند. و اما اینکه قالی یزد چه هست؟ بحث مبهمی ست که در چندین سال گذشته هم در دانشگاه و هم بازار، همراه با این سوال که آیا قالی یزد دارای سابقه تاریخی هست یا نه مطرح شده است. برداشتی که ما از تاریخچه قالی یزد یافته ایم اینست که سابقه آن حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ سال بیشتر نیست. و تنها مدرک مستند کتاب سیسیل ادواردز است که قبل از جنگ جهانی دوم وارد ایران شده بود و چند دار قالی در یزد مشاهده کرد. قبل از آن سند مکتوبی وجود ندارد و تنها سند، نقشه سردار جنگی است که در کتاب ایشان چاپ شده و می گویند که این فرش یزد است. مجموعاً یک صفحه در مورد قالی های یزد صحبت کردند و مستند کلی دیگری در این مورد وجود ندارد.

عطرگیران: جالب است که در آن کتاب وقتی قالی هراتی و قالی سردار جنگی را به عنوان قالی های مرغوب و پرفرقدار یزد معرفی می کنند، نام سردار جنگی را نمی آورد، اشاره می کند به تصویر آن که این تصویر و قالی های هراتی از جمله پرفرقدارترین قالی هایی هستند که در یزد آن زمان بافته می شده است. نام سردار جنگی را نمی آورد، به نظرتان چه علتی می تواند داشته باشد؟

کودکی من با آوازیایی گذشت که از بینابین صدای دینه از دیوار همسایه رد می شد و انگشت هایم اشتیاق گره های سازنده را در خود حس می کرد. سال ها گذشت و من شاهد نقشه خوانی و سرفه های آسم گونه زنی بودم که با عشق می بافت و در شرمی بی دفاع دسترنجش را می فروخت... تنها اتفاق مثبت زندگی او در رابطه با این دار همیشه برپای خانه اش، بیمه قالی بافان هست و قالی هایایی که نمی داند پای چه کسانی را خورده اند.

وقتی اندیشه برپایی میزگردی با حضور تمامی اصناف مربوط به این رشته در یزد شکل گرفت مدام به فکر دستان پینه بسته ایی بودم که همراه با گلوهای نقشی خوان مطمئن هستند که حق خود را نمی گیرند. این گفتگو با حضور محمدحسین میرجلیلی (رئیس اتحادیه فرش دستباف روستایی استان یزد)، احمد زارع (تولیدکننده فرش دستباف و مدرس دانشگاه علم و هنر یزد)، مجیدرضا مقنی پور (مدرس دانشگاه علم و هنر) و منیره عطرگیران (مدرس دانشگاه پیام نور یزد) در ساعت ۱۸ روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ در دفتر فصلنامه تشکیل گردید در نیمه های جلسه محمود اشعاری (عضو هیأت علمی دانشگاه علم و هنر یزد) به جمع ما پیوست و ماحصل گفت و شنود پیش روی شما قرار دارد.

چیدمان: چه تعریفی را برای قالی یزد می توان عنوان نمود؟

زارع: برای ورود به این بحث باید تفاوت فرش و قالی را مشخص



مقنی پور: البته این را توضیح بدهم که کتاب آقای ادواردز نواقص دیگری هم به غیر از این دارد و نمی‌تواند مرجع معتبری باشد و اعتبارش از این نظر است که در حوزه جغرافیای فرش ایران به عنوان قدیمی‌ترین منبع مکتوب مطالبی را عرضه کرده است و گرنه مطالبش در مورد فرش همدان و کرمان و یا حتی تقسیم بندی اش از طرحهای فرش با اطلاعات دقیقی نیست. در مورد تاریخچه قالی یزد باید گفت که مستندات غیرمستقیمی برای رساندن قدمت فرش بافی یزد تا دوران صفوی را داریم. در دوران شاه‌عباس یک سری برنامه ریزی خوب در حوزه توسعه منسوجات از جمله دستبافت‌ها انجام شد. یکی از این دستبافت‌ها فرش بود. آن دوره در تعدادی از شهرهای ایران از نظر کاربری در این زمینه تقسیم‌بندی‌هایی صورت گرفت، یک سری شهرها تولیدکننده مواد اولیه بودند، مانند مناطقی در خراسان برای تولید پشم و مناطق شمالی برای تولید ابریشم. شهرهای مرکزی ایران از جمله اصفهان، کاشان، کرمان و یزد شهرهای تولید منسوجات بودند و تعدادی شهرهای بندری که مهم‌ترین آن‌ها بندرعباس بود مخصوص فروش و عرضه این کارها شدند. نکته جالب اینست که در تمام شهرهای تولیدکننده به غیر از یزد-یعنی کاشان، اصفهان و کرمان-هم‌زمان هم فرش تولید می‌شده و هم دستبافت‌های دیگر [منسوجات]. ولی در یزد تنها مدارکی که داریم فقط از تولید منسوجات است که مهم‌ترین آن‌ها کارهای غیاث‌الدین نقشبند است و با توجه به حوزه جغرافیایی که یزد دارد و موقعیتی مشابه موقعیت کرمان، کمی بعید به نظر می‌رسد که یزد فقط در زمینه دستبافت‌ها یعنی منسوجات فعالیت داشته و در زمینه فرش تولید نداشته باشد. بنابراین با توجه به این مستندات، بحث‌ها و سیاست‌هایی که در تولید دستبافت‌ها و اهمیت فرش آن زمان وجود داشته، اینکه در دوران صفویه یزد هم تولیدکننده فرش بوده، بعید به نظر نمی‌رسد. و اما در تعریف قالی یزد این را باید گفت که در بحث فرش دو عنوان و واژه را داریم که اینها باید از یکدیگر تفکیک شوند. یکی بحث سبک و دیگری بحث مکتب. که سبک و مکتب با تعاریف آکادمیکی که در این حوزه داریم، متفاوت است. یک جنبه از سبک به بحث علیت‌ها مخصوصاً علیت‌های جغرافیایی و فرهنگی می‌پردازد. یعنی عوامل جغرافیایی و فرهنگی که باعث به وجود آمدن شخصیت فرش یک منطقه می‌شود. فرش‌های عشایری ما خیلی تابع سبک هستند یعنی سبک‌ها؛ شرایط فرهنگی و جغرافیایی شخصیت این فرش‌ها را شکل می‌دهند. ولی مکتب را بیشتر طراحان و تولیدکنندگان شکل می‌دهند، مثل مکتب کرمان با فعالیت‌های خاندان شاه‌رخی. یعنی یک سری افرادی که در دوره و زمانه خاصی به اصطلاح شخصیت فرش را شکل داده‌اند. در یزد متأسفانه هیچ کدام از این اتفاقات به طور کامل نیفتاد. یعنی اینجا حضور پررنگ طراحانی را نداشتیم که نسل در نسل بیایند و تأثیرگذار باشند. در یزد دسته‌گریخته طراحانی داریم که کارهایی را انجام دادند ولی این ادامه پیدا نکرد. شرایط اقلیمی یزد هم، چون یک منطقه شهری بود، شرایطی نبود که بتواند سبک را به وجود آورد. سبک‌ها در مناطق شهری کمتر به وجود می‌آیند و بیشتر

در مناطق روستایی و عشایری شکل می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت آن عدم شفافیت هویت فرش یزد به خاطر عوامل و عللی است که پشت آن وجود دارد. به همین علت نه در حوزه سبک و نه در حوزه مکتب نمی‌توانیم شفاف و واضح از چیزی به نام قالی یزد صحبت کنیم. نکات مبهمی از قبیل اینکه این چند طرحی که در یزد هست آیا طراحش یزدی بوده و از کجا گرفته شده [فرش اصفهان از معماری آن گرفته شده] و پیشینه این طرح چیست؟ هیچ چیز ثابت شده نیست که تأیید کند این طرح‌ها مربوط به یزد هستند یا نه؟

میرجلیلی: سال ۶۷ الی ۶۸ در مبحث پروژه‌هایی که باید دانشجویان تهیه می‌کردند از یک سری اساتید و پیشکسوتان استان یزد تحقیقاتی را به عمل آوردم و جزوهای نیز تهیه کردم که در حال حاضر در واحد آموزش جهادسازندگی است. آن زمان بیشتر صحبت‌ها و تعاریف از مرحوم حاج جلیل قالی بود که آن زمان طراح بود و خیلی از طرح‌های اصیل یزد توسط ایشان احیاء شد و مرحوم حاج آقا گلکار که چند نوبت به خدمت ایشان رسیدم. ایشان سابقه فرش در یزد را از زمان مشیرالممالک می‌دانست. زمانی که مشیرالدوله حاکم استان یزد بوده، درخواست بافت فرش دستباف را می‌کند و از طریق سرکاری از استان کرمان به نام میرزافرا کرمانی -اولین کسی که در استان یزد و در کاروانسرای مشیری [همان محل سکونت مشیرالدوله]- دار قالی را به پا می‌کند و شروع به بافتن قالی می‌کند و بعد از گذشت مدت زمانی بافتن قالی رونق می‌گیرد و بیشتر طرح‌های قاب قرآنی که مخصوص فرش‌های کرمان بوده در استان یزد بافت می‌شود، تا قبل از جنگ جهانی دوم فرش کرمانی شهره جهانی داشته و بعد از آن فرش کرمان افول کرد. در این زمان با توجه به اینکه استان یزد هم زیر پوشش استان اصفهان بوده و یکی از شهرهای استان اصفهان محسوب می‌شده، از طریق کاشان و اصفهان نقش‌هایی جایگزین فرش کرمان شد که البته می‌توان گفت هشتاد درصد از بافندگان ما تا یک دهه قبل سبک‌های کاشانی را می‌بافتند و الان هم همان سبک‌ها با قدری تغییرات در حال تولید هستند. فرش‌های قاب قرآنی کرمانی هنوز هم در بعضی مساجد قدیمی یزد دیده می‌شود و بعد از آن یک سری اساتید و هنرمندانی چون احمد حصیبی محمدآبادی طرح محمدآبادی، سیدعلی مدرسی طرح‌های امیر جنگی و سردار جنگی را از خود به جای گذاشته‌اند. آقای مدرسی طرح‌های بسیار جالبی را روی پارچه تهیه کرده بودند و سال ۶۴ از طرف واحد فرش جهادسازندگی، خدا رحمت کند مرحوم حاج آقا عبادی و مرحوم حاج جلیل قالی این طرح‌ها را از خانه یکی از بزرگان یزد پیدا و آن طرح‌ها را بازسازی کرده‌اند که طرح‌های محمدآبادی، سردار جنگی، امیر جنگی، گل ماهی، بند ماهی و شرق لندن را احیاء نمودند. گفته شده که انگلیس شرکتی را در ایران به نام شرکت شرق لندن تشکیل داده بوده که کار تولید قالی را انجام می‌دادند و این طرح شرق لندن -اولین طرحی بود که احیاء شد- بنا به سفارش آن شرکت طراحی و بافته شده است.

عطرگیران: یک چنین تحقیقی را آقای دهقان انجام داده بودند و در آن به جای نام میرزارضا کرمانی، از استاد حسین و استاد قاسم به عنوان اولین طراحانی که از کرمان به یزد آورده شدند و طرح‌های کرمان را در اینجا رواج و آموزش داده‌اند، نام برده شده بود.

زارع: یزد از سه طرف در احاطه سه سبک خاص است که دارند کار بافت را انجام می‌دهند، جنوب آن کرمان با رنگ‌بندی و سبک و سیاق و مکتب خاص خودش، شمال آن اصفهان و طرف غرب آن هم استان فارس است. در میان سه سبک مختلف قرار گرفته‌ایم با یک خلاء کامل. نه می‌توان گفت که به این سبک‌ها وابستگی دارد و نه می‌توان گفت که ندارد. ولی تمایل کاری بیشتر به سمت کرمان است، چون کارهای تولیدکنندگان قدیمی را که بینیم، خواهیم دید که هم کار یا نقش قلم اصفهان، قلم استاد ارژنگ است و یا آنکه در دیگر نقوش قلم و کار کرمان نیز می‌بینیم که سفارش داده شده اما در قسمتی از فرش حتماً بته‌جقه و یا طرح مورد نظر تولیدکننده، کار شده است. یکی از تولیدکنندگان، آقای فرش می‌گفت: "می‌رفتم اصفهان پیش آقای خیاطان که طراح قدیمی بود و می‌گفتم فلان قسمت از مسجد را دیده‌ام، این قسمت را برای من روی نقش پیاده کن و بعد از مدتی نقش را برای من ارسال می‌کرد." می‌بینیم که یک نوع تولید نداشتند من سه الی چهار نوع سبک مختلف از فرش‌های آقای فرش را دیده‌ام؛ حیوانی، شکارگاه، لچک ترنج و افشون و حتی سبک خوشه انگوری کرمان. می‌توان گفت نه به سمت اصفهان نه به سمت کرمان وابستگی دارند. مثلاً آقای بینش و آقای عبدی نزد آقای علی صوتی (طراح) با تمایل به نقوش کرمان سفارش خود را ارائه می‌نمودند؛ لازم به ذکر است که آنان گریزی به طرح‌های سنتی استان یزد هم داشتند. وابستگی تام و دست و پا بسته به استان کرمان یا استان اصفهان نبوده و در کارهایشان اعمال نظر می‌کردند. هر طراحی سبک مخصوص به خود را دارد و خیلی کم پیش می‌آید که نظر خودش را تغییر دهد. مثلاً سبک آقای افخمی با آقای سعیدپور و یا دیگر دوستان. هر طرح مشخص‌کننده سبک طراح بوده که این به منزله امضاء طراح می‌باشد. طراحان و تولیدکنندگان قدیمی بالاجبار دنباله‌رو همان مکتب اصفهان یا کرمان بودند و برحسب نظر و سلیقه بازار تغییراتی را اعمال می‌دادند.

طبق گفته آقای مکی یک سری نقشه‌ها را از پسر مرحوم آقای مدرسی که در نایین مستقر بودند، توانستند به دست آورند. آقای ستون‌زاده که در کار طراحی فرش بوده و در حال حاضر دیگر طراحی را انجام نمی‌دهند، می‌گفت: "یک سری نقشه‌های قدیمی با دست خط‌کشی شده دارم و منتظرم یک راهی پیدا کنم و اینها را مجدداً احیاء کنم". گستردگی نقشه‌های یزد خیلی زیاد است، در این چند ماه گذشته به همراه آقای قانعی که به تقسیم‌بندی و بررسی نقوش و طرح‌ها پرداختیم، می‌بینیم که از اصفهان و کرمان و هم از جاهای دیگر نقش گرفته‌اند، نقش‌های مایه‌دار، خوش‌رنگ و خوش طرح. این نقش برای آن زمان خوب بود ولی الان متأسفانه شاید کسی آن نقش‌ها را نپسندد.

میرجلیلی: توی طرح‌هایی که یاد می‌آید طرح‌هایی مثل لاله یزدی که خیلی مشهور و معروف است و قالی بافته شده آن هم رنگ‌بندی خیلی زیادی دارد، تال و خونچه، بندماهی، امیر جنگی و...

عطرگیران: این تال و خونچه‌ای که در یزد بافته می‌شده همان تال و خونچه‌ای است که در منطقه چهارمحال و بختیاری بافته می‌شده است؟

زارع: از آن نقش الهام گرفته ولی تغییراتی به آن داده شده است.

عطرگیران: اکثر قالی‌هایی که من در پایان نامه‌ام به آن رسیده‌ام، قالی‌هایی بود که با طرح‌های واگیره‌ای چون سردار جنگی، امیر جنگی، تال و خونچه، شرق لندن، احمد محمدآبادی بودند. اگر بر این اساس بگذاریم که شیوع قالی‌بافی در یزد بعد از افول نساجی صورت گرفته باشد، این واگیره‌بودن می‌تواند متأثر از نساجی یزد باشد. اگر مقایسه‌ای بین این پارچه‌ها و قالی‌های بافته شده صورت گیرد، طرح و نقش قالی سردار جنگی شباهت بسیار وافر دارد به آنچه که غیاث نقشبند در پارچه ابریشمی بافته است. حتی این نقش با معماری و کاشی‌کاری حمام گنجعلی خان کرمان شباهت دارد. وقتی که پارچه غیاث نقشبند را در کنار کاشی‌کاری حمام گنجعلی خان که معمار آن استاد محمد معمار یزدی بوده است، قرار دهیم شباهت را چشمی متوجه می‌شویم بدون اینکه طرح آن را آنالیز کنیم، همین شباهت‌ها را در قالی سردار جنگی می‌توان دید. پس می‌توان گفت که این طرح به جای اینکه از کرمان به یزد آمده باشد یا توسط طراحان کرمانی به یزد آورده شده باشد، از یزد به کرمان برده شده باشد.

مقنی‌پور: در گلستان هنر مقاله‌ای طولانی از فرش‌شناسی به نام جان تامپسون در بحث ساختار مدیریت و ساختار طراحی و فرش‌بافی دوره صفویه چاپ شده بود که در آن جمله جالبی با این مضمون وجود دارد "غیاث‌الدین نقشبند به عنوان نقیب صنف فرش بافان و نساجان بوده است". کار نقیب یا محتسب، ناظر فنی است، هم در بحث طراحی و هم در بحث تولید و قیمت‌گذاری. اکثر طرح‌هایی که امروزه آن‌ها را به یزد منتسب می‌کنیم اکثراً ساختار واگیره‌ای دارند، ساختار واگیره‌ای که خیلی شبیه است به همان طرح‌هایی که متفق‌القول گفته می‌شود کار غیاث‌الدین نقشبند است. این یکی از مستندات محکمی است که بتوان خیلی از طرح‌ها را مختص یزد بدانیم و با توجه به حضور پر نفوذی که غیاث‌الدین در دربار صفوی داشته، و آن سیاست‌های دربار صفوی که می‌خواستند یک سری طرح‌ها را از هسته مرکزی پخش کند و گسترش دهد یعنی تقریباً یک شناسه طراحی در شهرهای مختلف داشته باشد و اینکه غیاث نقشبند مسئول این هماهنگی در معماری، فرش و منسوجات بوده؛ بحث مربوط به اینکه طرح‌ها از یزد به کرمان رفته باشد را می‌توان به عنوان یک فرضیه مستند به حساب آورد و روی این حساب ریشه‌های فرش یزد که واگیره‌ای بودن یکی از خصوصیات آن است، را دنبال کرد. چون تأثیرپذیری از منسوجات در فرش یزد به این شکل بود که در ساختار آن اثر گذاشت، ولی در فرش کرمان تأثیرپذیری از





تصویر شماره ۱: یکی از نقوش طراحی شده توسط احمد محمدآبادی با کتیبه‌ای از گل‌ها و پرندگان است که وقتی این نقوش روی هم بگذاریم مابین این گل‌ها و کتیبه‌ها، مصرعی از بیت شعر زیر پدیدار می‌شود.

«آن ملخی نزد سلیمان بردن عیب است ولیکن هنر است از موری»

عطرگیران: درست است؛ این احتمالش را قوی‌تر می‌کند که نقوش به کار رفته در قالی‌های یزد از معماری گرفته شده باشد.

چیدمان: چه تدابیری برای احیاء و معرفی قالی‌های دست‌باف قدیم یزد و نقوش سنتی آن اندیشیده شده است؟

زارع: فرض بگیرید همان سردار جنگی، امیر جنگی، لاله، بیدمجنون، تال و خونچه، نقش‌های هندسی آقای ابدی، نقش‌های افشون آقای بینش، که اکثریت قریب به اتفاق این افراد نیستند ولی نقش‌هایشان هست، به گفته یکی از آقایان زمانی که نقوش احمد محمدآبادی را روی هم می‌گذاریم مابین این گل‌ها، یک بیت شعر (تصویر شماره ۱) وجود دارد. برای اینکه این نقش‌ها کنار هم گذاشته شود و این شعر در بیاید و نقوش و گل‌ها بهم ریختگی نداشته باشند، دقت فراوانی انجام شده است. آیابه نظر شما نیاز هست این نقوش گذشته را در حال حاضر احیاء کنیم یا نه؟ چگونه این کار صورت بگیرد؟

منسوجات در نقش‌مایه‌ها معرض بوده است، ولی به نظر می‌رسد که در یزد از ساختارها کمک گرفته‌اند، یعنی براساس منسوجات یزد که همه سیستم گوشواره‌ای است و یک نقش باید تکرار شود و با این ساختار نمی‌توان منظره را بافت کرد، بنابراین به نظر می‌رسد دو نوع تأثیرپذیری در دو منطقه مختلف اتفاق افتاده؛ توی کرمان نقش‌ها چیدمان شدند و در منطقه یزد ساختار واگیره‌ای مبنای قرار گرفت. این اتفاق جالبی است چراکه وقتی طرح‌های فرش را بررسی می‌کنیم هر کدام منابع الهام خاصی دارند، یک سری فرش‌ها منابع الهام آن‌ها معماری است مثل فرش‌های خشتی، فرش‌های لچک ترنج؛ یک سری دیگر منابع الهام آن‌ها منسوجات است مثل محرمات، طرح‌های بته‌ای؛ سیستم ساختار منسوجات منابع الهام آن‌ها بوده است. کمتر طرحی را در فرش داشتیم که از همان اول برای فرش بوده باشد. مثل طرح ماهی درهم، هراتی از جمله طرح‌هایی بوده است که از همان ابتدا برای فرش طراحی شده است ولی بقیه طرح‌ها از هنرهای دیگر به شکلی الهام گرفته شده و به فرش قرض داده شده است.

عطرگیران: جالب است که ترنج میانی در نمونه احیاء شده در مجموعه فرش نصیریانی و نمونه قدیمی‌تر آن که در سایت قالی ایران از آن به‌عنوان قالی سردار جنگی بافته شده در سال ۱۲۵۰ هجری ذکر می‌کند (این ترنج آن قدر بزرگ است که لبه‌های آن بر حاشیه عرضی قالی مهاس شده است)، با نقوشی که در گچ‌بری و آیینه‌کاری خانه‌های قدیمی یزد مثل خانه ملک‌التجار و خانه ملک‌زاده به کار رفته‌اند، شباهت زیادی دارند و این همان نقوشی است که هویت اصلی آن تا به امروزه در قالی‌های بعدی سردار جنگی حفظ شده است.

مقنی‌پور: در اینجا باید یک گریزی به معماری زد، در گذشته واژه معمار با آنچه که ما امروزه از آن برداشت می‌کنیم، کاملاً متفاوت است. وقتی نگاه می‌کنیم به وقف‌نامه رکن‌الدین، که معمار مسجد جامع بوده است، کلمه معمار تسلط کاملی روی کل بنا داشته است یعنی از کارهای محاسباتی، تعداد خشت‌هایی که در این بنا کار می‌شده را محاسبه می‌کرده تا کف‌پوش و تزئینات بنا، همه اینها زیر نظر شخص معمار بوده است. زیلوهای میبید نقوشی دارند به عنوان نقش رکن‌الدینی؛ دقیقاً نقش این زیلوها با نقش گنبد رکن‌الدین یکی است. این‌ها توسط یک نفر برنامه‌ریزی و مدیریت شده است. در فضای معماری قدیمی ما، مستنداتی داریم که حتی قطع فرش، الگوی فرش کردن اتاق‌ها را معمارها پیشنهاد می‌دادند. حتی بعضی جاها داریم که سقف آیینه‌کاری می‌شده؛ سقف آیینه‌کاری می‌شده به خاطر اینکه طرح فرش روی سقف بیفتد و یک هماهنگی رنگی ایجاد شود. بعضی مواقع این هماهنگی‌ها و تشابهاتی که می‌بینیم در بحث نسبتی که بین معماری و فرش بوده و تعریف اینکه معمار یک شخصیت جامعی بوده که طرح فرش را می‌شناخته، و پیشنهاد تزئینات، رنگ پنجره‌ها و کف‌پوش را هم می‌داده است کل مسئولیت بنا با تزئیناتش را عهده‌دار بوده است.

و زمانی که ما می‌بینیم می‌گوییم مثلاً طرح بوتله خربزه‌ای است برای منطقه شلمزار یا سفیدرود است. بحث احیاء بحثی است که خیلی مقدمات می‌خواهد و در کارگاه‌های کوچک و بزرگ برای احیاء طرح‌ها مشکلاتی من جمله بافنده، آموزش بافنده و... را داریم. شهر یزد یک شهر صنعتی است شهری است که در آن کارخانه زیاد است و با این دستمزدها کسی نمی‌آید کار کند و اصلی‌ترین بخش فرش بافنده است. بافنده‌ای که خلاق باشد. بهترین دوره‌ها و مناطق فرش بافی ما متعلق به دورانی بوده که بافنده به تولید اهمیت می‌داده است. شرایطی که محیا شود باعث می‌شود که طرح‌ها احیاء شود و به نظر من استقبال هم خواهد شد. اگر آن طرح‌ها با همان کیفیت کار شود استقبال خواهد شد و در حال حاضر چون تولید نمی‌شود نمی‌توان روی آن زیاد نظر داد.

عطرگیران: قالی یزد در برهه‌ای از زمان دارای مشخصات برجسته‌ای از لحاظ بافت بود. چنانچه سیسیل ادواردز در کتاب قالی ایران خود به این نکته اشاره دارد. ولی در حال حاضر طرح‌ها و ویژگی‌های بافت آن معرفی نمی‌شوند و حتی خیلی از یزدی‌ها این طرح‌ها را نمی‌شناسند و در بازارهای داخلی و خارجی این طرح‌ها شناخته نشده هستند.

مقنی پور: شما فکر می‌کنید خیلی‌ها طرح‌های ما را می‌شناسند و آن را معرفی نکرده‌اند؛ در حال حاضر من جغرافیای فرش و شناخت نقوش را تدریس می‌کنم به بعضی مباحث می‌رسم که برای خودم هم جالب است و تازگی دارد و هر ترم که تدریس می‌کنم چند طرح جدید را می‌بینم. ولی برای خریدار ایرانی و مخصوصاً خریدار خارجی اینکه طرح متعلق به کجا باشد اصلاً مهم نیست و فقط طرح باید قابلیت این را داشته باشد که ذوق و سلیقه و تجربه زیبایی‌شناسانه امروز مخاطب را پاسخ دهد.

طرح باید دوام داشته باشد و این طرح‌ها که اشاره شد (طرح‌های بندهامی، سردار جنگی، احمد محمدآبادی) این قابلیت را دارند به شرطی که گفتم با مکانیزم بافت و شرایطی که همان کیفیت طرح را بدهد. به عنوان مثال در یزد طرح‌هایی که کار می‌شود، طرح‌های کاشان است ولی کاشان نیست؛ چون نه مواد اولیه، نه رنگ‌رزی و نه مکانیزم بافتش، آن است.

میرجلیلی: مبحث اصلی فرهنگ‌سازی است. متأسفانه فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگ استفاده از فرش دستباف، در استان یزد خیلی پایین است چه برسد به تولید آن، لازمه‌اش اینست که فرهنگ‌سازی شود. سال ۶۲ الی ۶۳ آن زمانی که طرح‌های حاج‌آقا عبادی یا مکی و... را پیدا کردند، قالی شرق لندن بود که تولید شد و به بازار عرضه گردید. خدا رحمت کند آقای سیدمحمد فانیان پیشنهادی داد که تمام کارخانه‌داران و سرمایه‌داران را دعوت کرد و در باغ انگلیسی‌ها جلسه برگزار کردند و در آنجا مطرح کردند که ما می‌خواهیم کاری بکنیم و نیازش هم اینست که شما کمک و استقبال کنید. کمک شما اینست که تولیدات بافندگان را خریداری کنید تا بتوانیم به روند تولید ادامه دهیم. به مرور دعوتشان کردند که بیایند طرح‌ها را ببینند و دیدیم که چندسالی شرکت تعاونی

مقنی پور: احیاء یعنی زنده شدن. احیاء نقش یعنی اینکه روی فرش پیدا شود و تکرار هم بشود نه اینکه نقش را به دانشجو بدهیم تا بازسازی کند این احیاء نیست. باید مکانیزم بافت را احیاء کنیم، مواد اولیه به چه شکل باشد، رنگ‌رزی را با آنچه که طراح پیشنهاد داده تطبیق دهیم و ممکن است این طرح با آن رنگی که طراح پیشنهاد داده است، جواب دهد. می‌توان گفت تقریباً تنها منطقه در ایران که کارهای احیاء انجام داده و موفق بوده است، منطقه چهارمحال و بختیاری بوده که اگر کتاب خانم صوراسرافیل را دیده باشید در آن کتاب فرش مناطق را توضیح داده و در آخر کتاب یک بخشی با عنوان طراحی جدید دارد. بختیاری‌ها به علت تعصبات قومی که دارند به راحتی طرح‌های مناطق دیگر را قبول نمی‌کنند ولی اتفاقات خوبی افتاده و اینها را بافته‌اند و تکرار شده



مجید رضامقنی پور

است. بافندگان به جای اینکه طرح‌های قدیم را ببافند طرح‌های جدیدی که به شکلی احیاء شده طرح‌های سنتی خودشان بوده را با رنگ‌بندی و چیدمان جدید بافته‌اند ولی با همان شخصیت است



تصمیمات منسجم و طبق یک چشم‌انداز نبوده است. این نقد جدی‌ای است که به مرکز ملی فرش ایران وارد است چون به نوعی در تصمیم‌گیری‌های کلان فرش دستباف کشور دخیل است. مرکز ملی فرش که اصولاً در مباحث کلان برنامه‌ریزی می‌کند می‌بایست چاره‌ای برای فرش ایران از آموزش عالی تا تجارت و دیگر معضلات موجود بیندیشد. سال‌های قبل شورای راهبردی که متشکل از دست‌اندرکاران حوزه‌های تجاری و اقتصادی، مدیریتی و آموزش عالی در مرکز ملی فرش جریان داشت و در صورت استمرار و حمایت از تصمیم‌گیری‌ها می‌توانست مؤثر واقع گردد. امیدواریم که این شورا با انسجام بیشتر در دستور کار قرار گیرد و در بخشی از این شورا نیز نظارت بر سرفصل‌ها و حسن اجرای آن بر اساس تصمیم‌گیری‌های کلان فرش کشور تأسیس و مشکلات آموزشی نیز مرتفع گردد. مرکز



محمدحسین میرحلیلی

ملی و جامعه فرش نیز باید بپذیرد که آموزش عالی نیز جزئی از جامعه فرش می‌باشد و در صورت برنامه‌ریزی منسجم می‌توان از پتانسیل سرشار نیروی جوان به بهترین وجه استفاده نمود.

یزد موفق بود ولی باز الان رها شده است. برای مثال در بعضی از استان‌ها فرهنگ استفاده از فرش دستباف خیلی بالاست و فرشی به غیر از فرش دستباف را فرش نمی‌دانند. اصولاً تولید فرش در استان یزد در راستای کسب درآمد بوده و هست. بهترین ویژگی معمول فرش دستباف استان یزد را می‌توان پاخور خوب داشتن و قیمت مناسب آن عنوان کرد. در حال حاضر تا صحبت از فرهنگ طرح و نقشه می‌شود همه ذهن‌ها به سمت کاشان می‌رود و در حدود یک قرن است که اساتید و طراحان استان کاشان در طراحی و نقشه حرف اول را می‌زنند، بالاترین و بیشترین کارگاه‌های طراحی نقش در کاشان بوده است اگرچه آن هم چندسالی است که کم شده و خیلی از طراحان کار را کنار گذاشته‌اند، حتی نسل‌شان هم کسی ادامه نمی‌دهد. ولی طراحان اندکی هم هستند که هنوز از قدیم دارند کار می‌کنند. اگر در این زمینه کمی فرهنگ‌سازی شود، یک سری نمایشگاه فرش دایر شد و می‌خواستند که برپایی این نمایشگاه مختص یزد باشد که گفتیم اگر بخواهید مختص یزد باشد، دوام نخواهد داشت و بهتر است که در سطح بین‌المللی برگزار شود و اجازه دهیم که سبک‌های مختلف و فرش‌های نفیس از جاهای دیگر بیایند و مردم آشنا شوند و رغبت بیشتری به استفاده از فرش دستباف پیدا کنند. دهه هفتاد که تقریباً دهه رونق فرش در ایران بود، تجار داخلی و خارجی هم که دنبال فرش دستباف می‌آمدند عمدتاً دنبال فرش با قیمت مناسب بودند و به همین علت به سراغ فرش یزد می‌آمدند. تولیدات فرش یزد از لحاظ حجمی، حجم نسبتاً خوبی دارد ولی از لحاظ ارزشی می‌بینیم که خیلی پایین‌تر از استان‌های دیگر است.

اشعاری: شاید بهتر باشد در بحث احیا نگاهی به محتوای سرفصل‌های مصوب در هنرهای سنتی و علی‌الخصوص فرش دستباف داشته باشیم و اینکه آیا علی‌رغم تأسیس رشته فرش پس از حدود دو دهه مشکلی از فرش این مملکت حل کرده‌ایم یا نه؟ اینکه این دوره آموزشی توانایی ارتباط با بازار کار را برای فارغ‌التحصیلان آن فراهم آورده؟ با نگاهی به چیدمان سرفصل‌های موجود قسمی از مشکلات رخ می‌نمایند. از سوویی احساس می‌شود آموزشی که در دانشگاه‌ها در جریان است صرفاً در قالب کار در مقیاس آزمایشگاهی است. کسی که می‌خواهد رنگرز شود یا کسی که می‌خواهد بافت کار کند آیا در این مقیاس توانایی لازم را به دست می‌آورد؟ بنابراین با عنایت به مشکلات موجود اگر بخواهیم گفتگویی را مطرح کنیم، فکر می‌کنم بهترست شیوه آموزش، محتوای سرفصل‌های درس و روش‌های آموزشی که دانشگاه‌های موجود در حال اجرا دارند باشد. چرا دانشجویی که فارغ‌التحصیل می‌شود نمی‌تواند با بازار کار ارتباط برقرار کند و یا اصلاً چرا بازار کار پذیرای فارغ‌التحصیل رشته فرش نیست؟!

به این علت که هنوز خیلی چیزها در قالب آموزش آزمایشگاهی هست و نیازهای روز بازار را درک نکرده است. بحث دیگر اینکه مرکز ملی فرش بیشتر اوقات به کمیت اندیشیده تا کیفیت. البته زحمات فراوانی در ارتقای فرش ایران انجام شده اما به نظر می‌آید

نبوده و می‌گویند: "نه؛ فلان نقش را خوب می‌خرند از این نقش‌ها کسی استقبال نمی‌کند"، در صورتی که اگر نقش سنتی را احیاء کنند و بیافند، قطعاً مشتری خواهد داشت.

در حال حاضر امکان احیاء نقوش وجود دارد، کارخانه فرش ماشینی سراغ دارم که در دهات نقوش سنتی خاک خورده را پیدا کرده و با طراحی کامپیوتری آن طرح‌ها را احیاء می‌کنند و با این کار بازار فروش خوبی دارند. متأسفانه با توجه به فاصله زمانی تولید تا فروش فرش



محمود اشعاری

دستباف؛ تولیدکنندگان حاضر نیستند که کار احیاء را انجام دهند. مگر اینکه حمایت مراکزی مثل بازرگانی یزد جهت معرفی این افراد وجود داشته باشد. همان کاری که آقای فانیان انجام دادند. الان مشتری تمایلی به فرش زمینه کرم و ترنج‌دار ندارد و دوباره به همان طرح‌های واگیره و سنتی و زمینه رنگی متمایل شده است.

میرجلیلی: هر چیزی که بخواهد رشد کند، حال چه از لحاظ تنوع و یا تحول؛ اولین چیزی که در آن تأثیرگذار است بازار آن است، اگر رشد تولید فرش دستباف را خواسته باشیم ابتدا باید فرهنگ استفاده از آن را جا اندازیم، حتی نه به امید خارج و جاهای دیگر باشیم ما باید شعاری را آویزه گوش همه ایرانیان کنیم که هر فرد ایرانی، یک فرش ایرانی. اگر قرار باشد فرش را برای خودمان تولید

چیدمان: یک سری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه علم و هنر اردکان این چنین اظهار داشتند که بازار در برابر به‌کارگیری آن‌ها مقاومت دارد، حال با توجه به میزان آموزشی که دیده‌اند بازار هم پذیرای آن‌ها نیست.

اشعاری: البته لازم به ذکر است که مشکلات مقاومت در پذیرش دانش‌آموختگان در بازار کار مختص دانش‌آموختگان فرش و یا دیگر رشته‌های هنری نیست بلکه اگر آماری از نحوه جذب فارغ‌التحصیلان دیگر رشته‌ها (غیر هنری) فراهم شود این نتیجه را خواهیم گرفت که شاید به دلیل عدم کارایی سرفصل‌های موجود و مصوب که چه بسا از تصویب آن سال‌ها نیز گذشته و به مقتضای نیاز سال‌های پیش تدوین شده (البته در خوش‌بین‌ترین حالت) در آموزش عالی با مقاومت نسبی بازار کار روبرو می‌شوند. پس می‌توان گفت تعریف دوره آموزشی به مقتضای نیاز بازارهای هدف چاره کار می‌تواند تلقی شود.

عطرگیران: ولی در زمینه احیاء آن‌طور که باید و شاید کار نشده است.

میرجلیلی: نه؛ شروعی شد و شروع هم خوب بود ولی آن شروع ادامه نیافت. البته ما حاصل آن این شد که طراحانی چون آقای طحانی، مخملی، سعید افخمی، طرح‌های متنوعی را ابداع کردند، به هر صورت حرکتی شد منتها این حرکت پایدار نبود.

عطرگیران: این احیاء می‌کند که توسط آقای قانعی یا اساتیدی دیگر صورت گرفت در زمینه رنگ آن هم بود یا نه و فقط در طرح و نقشه بود؟

میرجلیلی: در زمینه رنگ هم فعالیت‌هایی صورت گرفت، مثلاً از تجربه آقای مصطفی رنگرز اهل نعیم آباد یزد که آن سالها پیرمرد هفتاد الی هشتاد ساله ای بود در زمینه رنگ‌های گیاهی مثل روناس و پوست گردو استفاده شد. ولی آن هم مقطعی بود و ایشان که مرحوم شد دیگر کسی کار رنگرزی گیاهی را ادامه نداد.

زارع: به نظر من بحث احیاء فرش به تولیدکنندگان بستگی دارد؛ زمانی که مرحوم آقای عبادی نقوش سنتی را احیاء کرد و در این خصوص زحمات فراوانی کشید. به این دلیل بود که این فرش‌ها و طرح‌ها مشتری مخصوص خود را هم داشت. ولی در تولیدکننده کنونی با احیاء نقوش سنتی موافق نیست و اینطور بیان می‌کند که بازگشت سرمایه این طرح‌ها بسیار زمان‌بر و هزینه‌بر است. اما با توجه به بحث احیاء، اینجانب طرح احمد محمدآبادی قدیمی که تمام از گل‌های شاه‌عباسی با زمینه لاک‌ی بود، رنگ‌بندی را با توجه به زمینه کرم تغییر داده و به جای گل‌های شاه‌عباسی، گل فرنگ با زمینه کرم و سورمه‌ای را جایگزین کردم؛ و به دلیل اینکه طرحی کاملاً متفاوت با بازار بود، استقبال خوبی شد. علت آن بود که در بازار فقط زمینه کرم و طرح‌های کاشان وجود داشت. با توجه به سیستم طراحی کامپیوتری کنونی خیلی راحت می‌توان نتیجه طرح و نقش فرش خود را ارزیابی نموده و ریسک سرمایه‌گذاری را به حداقل رساند. ولی همان‌طور که می‌دانید در یزد تولیدکننده شاخص، بیشتر از بیست نفر نیستند و اکثریت با تغییرات موافق



و استفاده کنیم، همان طور که سابقاً خارجی‌ها فرش‌های کهنه ما را می‌بردند بازهم بیایند دنبالش و ببرند؛ نه اینکه بیاییم فرش را کهنه‌شور و کهنه‌نما کنیم و در اختیار خارجی‌ها قرار دهیم. اولین سفری که حاج‌آقای عبادی و مکی رفتند فرش‌هایی را از آنجا آوردند با طرح «گل فرنگ» و در قالب همان احمد محمدآبادی گنجاندند و می‌گفتند که آن‌ها آن سبک را می‌خواهند این در حالی بود که معلوم نبود دیگران این سبک را بپسندند.



الآن در ادارات ما مکان‌هایی که مفرش هستند یا با موکت فرش شده‌اند یا با فرش ماشینی. چه عیب دارد که بخشی از بودجه دولت در راستای فرش دستباف هزینه شود. فرش دستباف یک سرمایه است و همیشه یک کالای سرمایه‌ای بوده و قیمت آن اگر ده سال هم از آن استفاده کنی باز هم قیمت آن بیش از زمان خریدش است. اگر واقعاً در همین مساجد و اداره‌جات و مکان‌های دیگر فرش دستباف جایگزین شود، و مردم را نیز تشویق کنند، کم‌کم زمانی می‌رسد که بازار خوب پیدا می‌کند و بالطبع آن همه چیز هم برای بافنده و هم برای فروشنده رونق پیدا می‌کند. در استان یزد اگر دهه ۷۵ الی ۸۵ را بررسی کنید خیلی از تولیدکنندگان ناامید شده‌اند و خیلی‌ها به علت اینکه برایشان توجیه اقتصادی نداشت، از این صنف بیرون رفتند. همین که فرهنگ تولید فرش در یزد باقی مانده خودش نعمتی است.

مسأله دیگری که باید به آن توجه داشت اینست که شاید بتوان گفت استان یزد در حال حاضر تمام تولیدات سبک‌های کل کشور را در خود دارد. اگر در شهرستان خاتم بروید سبک افشار و فرش‌هایی که در سیرجان و کرمان بافت می‌شد، هنوز رایج است و حتی بافندگان قدیمی آن هنوز هستند. به سمت نائین برویم بهترین فرش نائین در مزرعه نو عقدا تولید می‌شود که شاید دست کمی از فرش نائین اصیل نداشته باشد. باز طرف طبس نیز به همین شکل است.

عطرگیران: تکرار طرح‌های همسایه هنر نیست اینکه بیایند در زمینه فرش‌های خودمان کاری انجام دهند و فرش‌های اصیل خودمان را احیاء کنند؛ آن هنر است.

میرجلیلی: من هم با این حرف شما موافقم و به آن اعتقاد دارم، ولی در حال حاضر این کار تابلوبافی که یک الی دو سال اخیر به خاطر بیمه و از این قبیل مسائل رایج شده است، این کار یعنی برای تبریز کارکردن. برای یزد نفعی نیست و از آن طرف هم تبلیغ علیه ماست و اینها آمده‌اند طرح شبیه‌سازی را یافته‌اند و تبریز اصل ما هستیم.

عطرگیران: اتحادیه چه قدم‌هایی را برای معرفی قالی‌های قدیمی یزد برداشته است؟

میرجلیلی: اتحادیه درگیر ۱۰ شرکت تعاونی هست و همچنین انبوه بافنده و سهام‌دارانی که پشت این قضیه هستند. ما در حدود ۱۶۰۰۰ سهام‌دار داریم که همه سهام‌داران عمدتاً بافندگان روستایی هستند و کمتر تاجر، پولدار، سرمایه‌دار و یا دولتی‌اند. سعی کرده‌ایم این قشر محروم بافنده را نگه داریم و همین که ما در حال حاضر می‌توانیم بگوییم که در ده شهرستان استان یزد، شرکت‌ها یا برجا هستند و یک سری بافندگان با اعتماد کامل و اطمینان به آنجا مراجعه می‌کنند و مصالح می‌گیرند و فرش تولید می‌کنند و تولیداتشان را شرکت تعاونی به نحو احسن برای آن‌ها به فروش می‌رساند، جای شکر دارد.

یادم نمی‌رود زمانی که اتحادیه شروع به کار کرد چیزی حدود ۳۰ الی ۴۰ میلیون هزینه طراحی نقش و تهیه نقشه‌های جدید دادیم. اتحادیه بالغ بر ۱۲۰ طرح جدید دارد که تقریباً ۴۰ الی ۵۰ طرح آن هنوز تولید نشده است.

زارع: نقوش سنتی استان را به خوبی می‌توان احیاء کرد، و این کار نیاز به مراکزی دارد که پشتوانه مالی خوبی داشته باشند. به نظر من مغازه فرش‌فروشی باید به منزله یک گالری باشد، در یک گالری از هر نوع رنگ و طرح وجود دارد. متأسفانه تولیدکنندگان فرش یزد به چهار الی پنج نقش بسنده کرده‌اند. در قدیم تولیدکنندگان سنتی چند رنگ و طرح فرش را داشتند ولی الان در یک مغازه شاید ۵۰ تخته فرش از یک طرح و رنگ باشد و این برای فرش استان یزد یک معضل است.

در حال حاضر برای فرش ارزش قائل نیستیم، فرش دستباف هنر و بافنده آن هنرمند است، یک بافنده در طول روز خیلی تلاش کند و

دستش تند باشد ۷۰۰۰ گره روی این فرش می‌زند و در سال ۱۲ متر بیشتر تولید نخواهد داشت یعنی ماهانه یک متر مربع. این بافنده چند سال می‌تواند بافت را انجام دهد؟ باید برای فرش ارزش قائل شویم؛ تولیدات تک بافت جایگزین سری بافت شود تا ارزش این هنر نمایان گردد.



منیره عطرگیران

اشعاری: اگر خاطرتان باشد تأسیس اولین رشته فرش با حمایت شرکت سهامی فرش آغاز شد که دانش‌آموختگان آن در حال حاضر اساتیدی هستند که در حوزه نظری و عملی فرش دارای رزومه مناسب و البته تأثیرگذار می‌باشند. البته مقطع مورد نظر کاردانی فرش بود. از مقایسه شیوه آموزشی این فارغ‌التحصیلان با دانش‌آموختگان مقاطع تحصیلی کارشناسی دوره‌های بعد تفاوت خروجی را کاملاً احساس می‌کنیم. ارتباط موثر با بازار کار و مراکز تولیدی همراه با استفاده از اساتید مجرب طبق سرفصلی کاملاً کاربردی و از همه مهم‌تر در اختیار گذاردن کارخانه‌های شرکت سهامی فرش در امور آموزش دانشجویان برگه برنده این دانش‌آموختگان بود. خروجی این دوره آموزشی تربیت تکنیسین‌هایی بود که توانست در آن

برهه مشکلی از مشکلات را کمتر کند. از طرفی سیر تصویب برخی رشته‌ها در مقطع تحصیلات تکمیلی بدون بررسی واقعی نیاز جامعه یعنی سمت و سو دادن جوانان جامعه به سوی مدرک‌گرایی و بالابردن انتظار و این مهمترین آسیب جامعه حال حاضر است. شاید برخی از دوستان چاره‌گشایی در معضلات فوق را ایجاد تحصیلات تکمیلی می‌دانند این در حالی است که این مقاطع تنها صورت مسأله را پاک می‌کند. شما تصور کنید دانشجوی طراحی فرش در مقطع تحصیلات تکمیلی در حال آموزش چه مباحثی است؟ دانشجویی که در مقطع کارشناسی حداقل ۴ کارگاه تخصصی طراحی را در طول ۴ سال گذرانده، آیا نیاز به بازآموزی مباحث گذشته، آن هم در مقطع کارشناسی ارشد همراه با هزینه‌های گزاف دارد؟ بنده معتقدم فارغ‌التحصیل کارشناسی طراحی فرش پس از گذران این دوره ۴ ساله (آن هم در شرایط آموزشی مطلوب) نیاز به تجربه اندوختن در بازار کار دارد. همینطور در سایر گرایش‌های موجود نیز چنین سوالی مطرح است. البته تصویب مباحث بین رشته‌ای (اقتصاد و مدیریت فرش و حتی پژوهش) در مقطع کارشناسی ارشد شایسته‌تر است و توان حل مشکلات را در صورت فراهم کردن اساتید مجرب خواهد داشت. کاری که داریم انجام می‌دهیم فقط و فقط بالا بردن سطح انتظار و توقع است. به نظرم می‌آید که به یک هم‌افزایی بین مسئولینی که در زمینه فرش واقعاً دلسوز هستند و دانشگاه‌هایی که متصدی رشته فرش هستند، بیایند برای رضای خدا در برخی تصمیمات بازنگری کنند. در این بین مرکز ملی فرش ایران و انجمن علمی فرش می‌تواند در قالب شورای راهبردی از مشورت صاحب‌نظران عرصه فرش دستباف استعلام نموده و با وزارت علوم رایزنی نمایند تا انشالله... تصمیمات به سمت اصلاح مسائل موجود پیش رود.

مقنی‌پور: برای بحث بازار فرش و به اصطلاح فروش فرش، اگر از نظر تجاری به آن نگاه کنیم؛ می‌توانیم سه راهکار برای فروش آن ارائه دهیم: ۱- اینکه خریدار را مجبور کنیم ۲- خریدار را مجاب کنیم ۳- تابع خریدار باشیم. در یک مطالعه تاریخ صنایع دستی هند، متوجه شدم که پارچه‌های پرده‌ای و مبلی هند در انحصار نساجی سنتی است یعنی کارخانه‌های ماشینی به هیچ وجه نمی‌توانند در این زمینه تولید داشته باشند و جریحه می‌شوند. این باعث می‌شود که منبع درآمد چند شهرشان از این طریق باشد. مرکز ملی فرش می‌تواند با یک رایزنی مصوبه‌ای را تصویب کند که در این راستا اقداماتی انجام گیرد چراکه اگر به اقتصاد فرش نگاه کنیم در برابر اقتصاد نفت عددی نیست.

بنابراین آن نماینده مجلس یا وزیر می‌تواند با رایزنی که مرکز ملی فرش انجام می‌دهد مصوبه‌ای و قانونی تصویب کند که به عنوان مثال در این حیطه صنایع نباید دخالت کنند و فقط باید فرش دستباف باشد. راهکار دوم اینست که خریدار را مجاب کنیم یعنی به آن‌ها بقبولانیم که نگاه نکنند که این فرش ماشینی و دیگری دستباف، یکی متری این قدر و دیگری آن قدر، حال که فرش ماشینی ارزان‌تر است پس فرش ماشینی؛ این طور نگاه نکنند



ببینیم که چه داریم می‌خریم. آقای تورج ژوله مأمور نظارت بر کار تولیدکنندگان یکی از مناطق روستای کردستان بود تعریف می‌کرد که یک تاجر خارجی به تولیدکنندگان آن منطقه سفارش کار می‌داد و یکی از کارهایی که آن تاجر برای تولیدکنندگان انجام می‌داد این بود که از تمام مراحل تولید یعنی تهیه مواد اولیه آن زمان که پشم را از گوسفندان می‌چیدند، ریسیدن، چله‌کشی، طراحی و بافت عکاسی می‌کرد، بافندگان را یک به یک معرفی می‌کرد، کتابچه‌ای تولید می‌شد تا به فرش پیوست شود. این شناسنامه فرش بود و قصه تولید این فرش. زمانی که شخص باید بین ماشینی و دستی فرش را انتخاب کند با وجود این شناسنامه می‌فهمد که دارد پول چه چیزی را می‌دهد. خیلی وقت‌ها خریداران نمی‌دانند و فکر می‌کنند فرش دستباف همان کارایی فرش ماشینی را دارد و چون با دست بافت شده است، گرانتر است. و این را به عنوان جنبه‌ای که زندگی در آن هست، نگاه نمی‌کنند.

بحث بعدی اینست که ما تابع بازار باشیم، تهدیداتی که همه از آن به تهدید تعبیر می‌کنند را فرصت بدانیم، مثل تابلوفرش. چرا مردم تابلو فرش می‌خرند؟ هیچ وقت نظرسنجی کردیم که چرا مردم تابلو فرش می‌خرند؟ تابلوفرش کالایی است در قطع کوچک که قاب گرفته شده و هدیه داده می‌شود. قیمت آن نسبت به فرش دستباف ارزان است و روی دیوار زده می‌شود. همین روی دیوار زدن، یعنی تغییر کاربری فرش از زیرانداز به تابلو. الگوهای هم داریم، فرش‌های تصویری شاخه خیلی گسترده‌ای از طرح‌های فرش ما هست یعنی می‌توانیم در یزد به همین تابلوفرش خط یا جهتی دهیم که بتوان طرح‌های سنتی را در آن اعمال کرد. در نمایشگاه پارسال یزد دیدم که قم کارهای خوبی را انجام داده مثلاً طرح گل و مرغ را روی تابلوفرش کار کرده بود. کار خیلی خوبی بود یعنی بهتر از آن تصویربافی‌هایی بود که انجام می‌شود و ارزش هنری اش بیشتر بود و طرفدار هم داشت.

اگر کمی هم از نگاه بالاتری به مسأله سنت و طرح‌های قدیمی در بستر تاریخ هنر ایران نگاه کنیم، می‌بینیم که همیشه هنر داشتیم و هنر هیچ دو دوره‌ای عین هم نبوده است. همه هم سنتی. حالا نمی‌دانیم چه تفکری از ۳۰ الی ۴۰ سال اخیر، پیش آمده که وقتی می‌گوییم سنت، یعنی طرح گذشته. باید روی این قضیه کمی فکر کرد که سنت شامل دو بخش است: یکی ارزش‌ها و دیگری مصداق‌های آن. اگر بحث مذهبی آن را خواسته باشیم بگوییم حدیثی از پیامبر(ص) داریم که فرمودند: "به فرزندان خود تیراندازی، شنا و سوارکاری را بیاموزید". این یک سنت آموزشی اسلامی است، الان اگر خواسته باشیم این فرمایش پیامبر را عملی کنیم باید تیراندازی و سوارکاری را آموزش ببینیم در صورتی که ما می‌آیم ارزش این کار را می‌گیریم، ارزش آن این بوده که فرزندان بتوانند مرکبی را سوار شود و از خودش و ناموسش و کشورش دفاع کند. مصداقش در آن زمان اسب‌سواری و تیراندازی بوده و الان ماشین است و علم. دقیقاً در هنر و فرش هم همین است. معادل سنت کلمه tradition یعنی انتقال یافته، است و این کلمه هیچ بار

مثبت یا منفی ندارد، آنکه چه چیزی منتقل شود، سبب مثبت یا منفی شدن آن می‌شود. ما باید ارزش‌ها را بگیریم و به نظرم در طرح‌های احمد محمدآبادی طرح را می‌گیریم ولی آن کیفیت بافت و نوع رنگرزی را نمی‌گیریم، باید اینها همه با هم باشد.

در اینجا هم باید نگاه کارشناسانه باشد و ببینیم که ارزش آن فرش‌ها چه بوده به اضافه اینکه چه اشکالی دارد که ما طرح زمان خود را داشته باشیم به نظرم مشکلی پیش نمی‌آید. به عنوان مثال در بحث صنایع دستی می‌بینیم که بعضی مناطق موادی در صنایع دستی داشتند که در ایران نبوده و آیه هم نازل نشده که نباید از آن‌ها استفاده کنیم. مثل کاغذ، در بعضی کشورها به عنوان مواد اولیه بوده است و در ایران سابقه‌ای نداشته است. الان می‌توانیم این را پیاده کنیم و از آن استفاده کنیم. یا نقاشی روی برگ در هندوستان. الان اگر اینها را اجرا کنیم کسی نمی‌گوید که چرا اجرا کرده‌اید؟ الان ما نمی‌خواهیم فرش را برای یک آدم قاجار بفروشیم، فرش را می‌خواهیم برای آدم امروزی بفروشیم، تا بازار حمایت نکند و پول تزریق نشود، اتفاقی نمی‌افتد.

زارع: معمار قدیمی از خشت اول ساختمان تا طرح فرش نهایی را طراحی می‌کرد. ولی الان این چنین نیست و کار تخصصی شده است و متأسفانه فاصله‌ای بین تولیدکننده و معمار و طراح داخلی مان ایجاد شده است. اگر بتوانیم فاصله را به هم نزدیک کنیم، حتی نیاز باشد رشته طراحی داخلی با گرایش فرش را داشته باشیم و فرش را بیشتر در طراحی ساختمان دخالت دهیم، و طراحان داخلی سفارش دهند که فلان طرح و نقش را برای ما بافت کنید. اگر این ارتباط بیشتر با هم چفت شود و این چارچوب‌های قدیمی را به امروز ربط دهیم سبب بهبود بازار فرش خواهد شد.

در ورکشاپی یکی از طراحان سوئدی می‌گفت: که طرح‌های شما برای مناطق اسکاندیناوی مناسب نیست چرا که در آنجا ۳ الی ۴ رنگ بیشتر استفاده نمی‌شود. درحالی که فرش شما حدود ۱۵ یا ۱۶ رنگ دارد؛ این فرش برای مناطق ایتالیا، اسپانیا و یا فرانسه مناسب است. با توجه به این اظهارات ما باید سلیق مردم یزد و یا مناطق دیگر را بررسی کنیم و براساس طراحی داخلی ساختمان؛ طرح و نقش متناسب هر منطقه را تولید نماییم. لازم به ذکر است که باید بین تولیدکننده و طراح داخلی وجود داشته باشد.

مقمنی پور: هم‌فکری و مشاوره برای اینکه بگوییم چقدر می‌توان متفاوت فکر کرد جا دارد مطلبی را بیان کنم. در شیراز به منزل یکی از دوستان دعوت شدم به آن خانه که وارد شدم دیدم فرش را روی سقف نصب کرده‌اند و حتی نورپردازی هم شده بود، این کار خیلی جالبی بود. با این ایده شخصیت جدیدی به فرش داده بودند. از فرش به سقف رسیده. باید دید نیاز جامعه چیست و باید در این چنین قالب‌ها کاری کرد. ■